

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۱۰

مرکز مطالعات ستراتیژیک و منطقی

## روز جهانی جوانان و مشکلات بی پایان جوانان افغانستان



۲۱ اسد سال جاری اگر از یک طرف مصادف است با روز های مبارک عید سعید اضحی، از طرف دیگر؛ در تقویم جهانی به عنوان روز جهانی جوانان نامیده شده است. با استفاده از فرصت، حلول عید سعید اضحی ۱۴۴۰ ه ق را به فرد، فرد هموطنان و كافة امت اسلامی تبریک و تهنیت عرض نموده خوشی و سعادت دو جهانی را برایشان آرزو مندیم.

متأسفانه جوانان افغانستان در حالی از روز خود شان تجلیل به عمل می آورند که زندگی شان با جوانان کشورهای دیگر، زمین تا آسمان فرق دارد. چلنج های متعدد از جمله: فقر، بیکاری، جنگ و بی امنیتی زندگی جوانان ما را مانند دیگر اقشار جامعه؛ تلخ ساخته است. شماره حاضر تحلیل را روی مشکلات فراروی جوانان به این امید متمرکز ساخته ایم که اگر الله متعال خواسته باشد، صلح به وطن ما بازگشته؛ همه اقشار جامعه، به خصوص جوانان ما صاحب زندگی آرام و با سعادت شوند.

### چلنج های عمده در برابر جوانان کشور:

به اساس سروی انستیتوت امریکایی برای صلح؛ ۶۳/۷ فیصد نفوس افغانستان را جوانان تشکیل می دهد. همچنان، بر اساس معلومات وزارت اطلاعات و فرهنگ، ۶۳ در صد از نفوس افغانستان را جوانان تحت ۲۵ سال تشکیل می دهد، اما آقای سرور دانش؛ معاون رئیس جمهور کشور و رئیس اسبق کمیسیون نظارت از تطبیق و هم آهنگی پالیسی ملی جوانان کشور، این فیصدی را ۶۷ در صد می داند. بناً، جامعه افغانی از لحاظ ترکیب عمری شهروندان خویش؛ جامعه جوان می باشد و وقتی درینجا از مشکلات جوانان صحبت می کنیم، معنی اش آنست که از مشکلات بیش از ۶۰ فیصد از نفوس کشور صحبت می نمایم.

رادیوی آزادی در ماه اسد سال ۱۳۹۱ ه ش سروی ای را در پایتخت و چند ولایت افغانستان در رابطه به مشکلاتی که جوانان با آن روبرو می باشند براه انداخته بود. طی این سروی؛ اکثریت قاطع جوانان شامل سروی؛ بی کاری، محدودیت فرصت های تحصیلی و بی امنیتی را به ترتیب به عنوان سه چلنج عمده ای که با آنها دست و پنجه نرم می کنند؛ معرفی نموده بودند. متأسفانه بعد از مرور ۷ سال از آنوقت؛ هنوز هم این مثلث شوم به حال خود باقی بوده و هیچ گونه پیشرفتی در جهت حل آن ها صورت نگرفته است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

## بی‌کاری:

جوان که در اجتماع قادر به کار کردن باشد و قدرت لازم برای کار کردن داشته باشد، اما فرصتی برای کار نداشته باشد، بی‌کار خوانده می‌شود. بی‌کاری نیز یکی از چلنج‌های مهم در برابر جوانان شمرده می‌شود که بطور مستقیم با امنیت کشور نیز رابطه دارد. در طول ۱۸ سال گذشته با وجود میلیاردها دالر کمک جامعه جهانی، برای اشتغال‌زایی دراز مدت در کشور، کار لازم صورت نگرفته است.

بر بنیاد ارقام بانک جهانی، از مجموع قوه کاری در افغانستان ۴/۶ درصد آنان در سال ۲۰۰۱ میلادی بی‌کار بودند. در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ میلادی این رقم به ۴/۶ و ۴/۹ درصد رسید. در سال ۲۰۰۴ میلادی درصدی بی‌کاری در کشور به ۴/۵ نزول کرد، ولی در سال ۲۰۰۵ بار دیگر به ۸/۵ درصد افزایش یافت و از آن ببعد نرخ بی‌کاری در افغانستان روبه افزایش بوده است.

در سال ۲۰۱۴ میلادی وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین افغانستان اعلام کرد که از جمله ۱۰ میلیون افراد واجد شرایط کار در افغانستان، حدود ۸۰۰ هزار آن در بی‌کاری مطلق به سر می‌برند. ولی ارقام تازه بانک جهانی نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی نزدیک به سه میلیون نفر در افغانستان بی‌کار بودند که بیشتر آنها را جوانان تشکیل می‌دادند.

همه‌ساله ده‌ها هزار جوان از پوهنتون‌های دولتی و خصوصی در افغانستان فارغ می‌شوند و به دلیل نبود زمینه‌های کاری و یا هم به دلیل فساد گسترده در ارگان‌های دولتی، به جمعیت بی‌کاران در کشور افزوده می‌شود. در حال حاضر بیکاری یک مشکل اساسی سر راه جوانان است. شمار زیادی از جوانان پس از فراغت از پوهنتون‌ها، بیکار می‌مانند به دلیل بیکاری، مجبور به مهاجرت می‌شوند یا هم با گروه‌های جنایت کار یکجا می‌شود.

## چلنج‌های تحصیلی:

تحصیل یعنی متخصص شدن در یک بخش مورد علاقه که مشکل جوانان در این بخش خیلی‌ها پیچیده و پر جنجال است تعدادی زیاد جوانان در شرایط جنگی بزرگ شده‌اند که نتوانسته‌اند به شکل که ضرورت جامعه و مارکیت کار است تحصیل کنند. تحصیلات معیاری که خاصیت جهانی را داشته باشد، هنوز به دسترس جوانان افغانستان نیست، یعنی از پوهنتون‌های افغانستان که فارغ‌التحصیل می‌شود، آن معیار جهانی کیفیت علمی را ندارد یا وقتی برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می‌رود با مشکلات متعددی روبرو می‌شود. از این رو عدم موجودیت یک ستراتیژی ملی برای آموزش؛ ضعف مدیریتی در وزارت تحصیلات عالی افغانستان؛ کهنه بودن و عدم همخوانی نصاب تحصیلات عالی با ضرورت‌های مارکیت کار؛ عدم موجودیت هماهنگی در جذب محصلین نظر به نیاز بازار کار؛ کمبود وسایل تعلیم و تعلم در نهادهای تحصیلات عالی؛ نظارت ضعیف در نهاد های تحصیلات عالی؛ کمبود کادرهای مسلکی و علمی و کادرهای تدریسی متفرغ و شایسته؛ رکود تحقیقات علمی و عدم موجودیت تأسیسات زیربنایی برای بحث و تحقیق علمی، موجودیت مشکلات مذکور و سایر مشکلات بنیادی در تحصیلات عالی افغانستان، باعث شده که نه تنها فارغ‌التحصیلان مبدل به عناصر کارآمد و موثر در جامعه نشوند، بلکه در بسیاری موارد جوان و سرنوشت جوانان به جدی‌ترین معضل اجتماعی نیز مبدل گردیده است. و موضوع بورسیه که به افغانستان از طرف کشورهای مختلف جهان داده می‌شود، یک فرصت بزرگ است برای جوانان کشور اما این فرصت در اثر ضعف اداره و فساد اداری به گونه مؤثر استفاده نشده است توزیع بورسیه‌ها به افراد مستحق و واجد شرایط، خیلی با اهمیت می‌باشد که متأسفانه در افغانستان بورسیه به اهل شان داده نمی‌شود که این یک معضله جدی در برابر جوانان کشور است. هر سال بیش از دو صد هزار جوان در پروسه کانکور اشتراک می‌کند از این رقم ۳۰ فیصد شان به تحصیلات عالی دولتی راه می‌یابد باقی‌شان بی‌نتیجه باقی می‌ماند، و یا هم در بدل پرداخت فیس به مؤسسات خصوصی می‌روند.

## بی‌امنیتی:

ناامنی‌ها و ادامه جنگ در افغانستان یکی از عوامل مهمی به شمار می‌رود که زنده‌گی جوانان این کشور را تحت سایه خود در آورده است و به دلیل آن افغانستان با بحران فقر و بی‌کاری مواجه است. در حال حاضر نزدیک به نیمی از خاک افغانستان تحت کنترل مخالفین مسلح دولت است، جغرافیای جنگ گسترش یافته، حملات هوایی و تلفات ملکی بگونه بی‌پیشینه افزایش یافته است؛ چنانچه تنها در سال ۲۰۱۸ م حدود ۱۰۹۹۳ فرد ملکی در جنگ افغانستان کشته و زخمی شده بودند. همچنان به دلیل جنگ و ناامنی ده‌ها هزار خانواده از سرزمین‌های اصلی شان بی‌جا شده‌اند، سرمایه‌ها و کار و بارهای خویش را از دست داده‌اند و اکنون در حالت بیجا شده‌گی در شرایطی ناگواری زنده‌گی خویش را به پیش می‌برند.

از سوی هم در وضعیت کنونی وخیم امنیتی و جنگ، علاوه از این که وضعیت مذکور باعث فرار جوانان از افغانستان شده، ناامنی سبب عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی که قدرت جذب نیروی کار (جوانان) را دارند، افغانستان را با بحران بی‌کاری و فقر مواجه کرده است.

## چرا پالیسی ملی جوانان نتوانسته چیزی از مشکلات جوانان ما بکاهد؟

به حجم مشکلات جوانان کشور، در حالی افزونی به عمل می آید که دولت افغانستان سالها قبل، طرحی بخاطر انکشاف استعداد های جوانان و مشارکت شان در حیات سیاسی و اجتماعی آنها ایجاد و مورد تطبیق قرار داده است. این طرح که به نام "پالیسی ملی" یا "ستراتژی ملی جوانان افغانستان" یاد می شود، توسط معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ با همکاری وزارت های: عدلیه، مالیه، صحت عامه، کار امور اجتماعی شهدا و معلولین، ارشاد، حج و اوقاف، امور زنان، مبارزه با مواد مخدر، اداره مستقل ارگانهای محل، کمیسیون مستقل حقوق بشر، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، اداره مرکزی احصائیه، ریاست عمومی تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک و مجتمع جامعه مدنی افغانستان تدوین و از سال ۱۳۹۵ هـ ش مورد اجراء قرار گرفته است. هدف از طرح و تدوین پالیسی ملی جوانان، رسیدگی سیستماتیک و همه شمول ادارات ذیربط دولتی و نهاد ها و سازمان های غیر دولتی به مشکلات جوانان، طرح و تطبیق برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به منظور رشد و توسعه استعداد ها، مهارت ها و توانایی ها در عرصه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشور خوانده شده است. این ستراتیژی در هشت محور ساخته شده، چهار محور اصلی این ستراتیژی در مورد صحت، معارف، اشتغال زایی و مشارکت جوانان؛ و چهار محور دیگر نیز شامل تساوی جنسیتی، صلح و امنیت، محیط زیست و ورزش می باشد. در ظاهر امر، هیچ عرصه ای از عرصه های مهم زندگی جوانان ازین پالیسی بیرون نمانده، اما در عمل، تأثیرات چندانی بر روند زندگی نسل جوان کشور و کم ساختن مشکلات ایشان نداشته است.

اگر بحث امنیت را خارج از توان حکومت فرض کنیم؛ حد اقل در دو عرصه کار یابی و تعلیم و تحصیل باید حکومت افغانستان مسئولیتش را در برابر نسل جوان کشور به وجه احسن انجام می داد که متأسفانه چنین نشده است. در بخشی از سند پالیسی ملی برای جوانان، زیر عنوان "اشتغال زایی برای جوانان" می خوانیم که: " ادارات انکشافی، تعلیمی و تعلیمات تخنیک و مسلکی که مربوط دولت و مؤسسات غیر دولتی اند، در هم آهنگی با هم زمینه های وسیع کاریابی را مطابق برنامه های ملی انکشافی، تنظیم منابع بشری و بازار کار برای جوانان و نوجوانان کشور مساعد سازد." در ادامه، از ساختن " ستراتیژی واقعیهانه و چند بعدی اشتغال زایی برای رفع مشکل بیکاری جوانان" صحبت شده و چوکات های آنرا با موارد ۱۲ گانه مشخص می سازد. اما متأسفانه تا امروز بخش اعظم این موارد معطل بوده و در ساحه عمل چیز زیادی از آنها دیده نمی شود.

به طور مثال در بند ۳ گفته شده: " فراهم آوری زمینه کار برای جوانان در سکتور رسمی عامه و شفافیت در استخدام." درحالیکه عملاً چنین نیست و فرصت های کاری در سکتور دولتی فقط برای جوانانی مساعد است که نوعی ارتباط با گروپ حاکم دارند، حتی جوانانی نیز دیده شده اند که به برکت ارتباط سیاسی با حلقه حکومتی؛ طی یک سال چند بار از یک وظیفه به وظیفه دیگر و از یک موقعیت به موقعیت بهتر انتقال یافته اند. در حالیکه اکثریت مطلق جوانان، ازین مزایا محروم بوده، فرصت استخدام در ادارات دولتی برای شان کمتر شده می رود. همچنان در بند ۱۰ از " توسعه فرصت های کاری مناسب برای جوانان در خارج از کشور و انکشاف برنامه های خاص برای جذب مجدد آنها در داخل کشور" یاد آوری شده است. در حالیکه هیچگونه اقدام ملموسی درین زمینه صورت نگرفته، نه کسی از طریق برنامه دولتی بخاطر کار به خارج از وطن رفته و نه هم روی زمینه جذب مجدد شان در داخل کشور کاری صورت گرفته است. اگر چنین می بود؛ طی چند سال گذشته صدها هزار جوان ما مجبور به مهاجرت به کشورهای اروپایی نمی شدند.

همچنان در بند ۱۱ تحت عنوان " تعلیم، آموزش و تعلیمات تخنیک و مسلکی در مورد زمینه های تحصیلی چنین تصریح شده: مساعد ساختن زمینه های بیشتر تحصیلات عالی به خصوص برای جوانان دهاتی، اعم از زن و مرد و بلند بردن ظرفیت های شاگردان جهت آمادگی برای تحصیلات عالی." این درحالیست که جوانان دهاتی کمترین سهمی در اداره های دولتی تحصیلات عالی کشور دارند و حکومت هیچ نوع توجهی بخاطر ارتقای سطح تعلیمی آنها و آماده شدن شان بخاطر حصول کامیابی در امتحان کانکور، روی دست ندارد، بلکه تمام ایشان با کوششهای شخصی خود شان به پیش می روند. شاید یگانه کارنامه حکومت وحدت ملی درین زمینه؛ تخصیص ۲۵ فیصد از کرسی های بعضی فاکولته ها، به ولایات عقب مانده بوده باشد که متأسفانه در موجودیت فساد گسترده، دسترسی مستحقین اصلی به این کرسی ها هم چندان محتمل به نظر نمی رسد.

با در نظر داشت مشکلات روز افزون جوانان کشور، وقت آن رسیده تا معینیت امور جوانان روی پالیسی جدیدی کار نماید. پالیسی ای که از یک طرف با اهداف انکشاف پایدار (SDG) سازمان ملل متحد همخوانی داشته باشد و از جانب دیگر، خواستها و نیازهای حقیقی جوانان افغانستان در آن رعایت شده باشد. پالیسی جدید باید قبل از مشکلات دیگر، به مشکل کار یابی، مشکلات تعلیمی تحصیلی و مشکل تأمین امنیت جوانان کشور، حلول واقعی و عاجل پیشبینی نماید.

پایان